

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۰۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۷ بهمن ۱۳۸۶، ۶ فوریه ۲۰۰۸

سر دبیر: عبدال گلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

جریانات ناسیونالیست منافع واقعی مردم را نمایندگی نمیکند

امید سرخ

چند هفته پیش که روزنه را باز کردم مطلب آسگران در مورد جریانات ناسیونالیست کرد از جمله پك و سیاست نوین آنها توسط رهبر زندانشان اوجلان نوشته بود را دیدم ومن هم حیقم آمد بیشتر به

صفحه ۴

درباره ناسیونالیسم کرد (۱) حزب دمکرات کردستان



ناصر اصغری

نه حکومت اقلیم کردستان در عراق، افتخاری مثل يك حکومت

صفحه ۳

سالها بود که دیگر به ناسیونالیسم کرد فکر نکرده بودم. اما دوم ری‌پندان امسال، سالگرد جمهوری مهاباد، بار دیگر توجه ام را به این مسئله جلب کرد. جمهوری مهاباد شاید از مهمترین وقایع در تاریخ جنبش ناسیونالیسم کرد باشد. همه ناسیونالیست‌های کرد، بخصوص در کردستان ایران را، به جنب و جوش در می آورد. نه حکومت اسماعیل آقا سمیتقو (سیمکو)، و

دوم بهمن (دوم ری به ندان) و تلاش جریانات ناسیونالیست کرد برای تحریف تاریخ



محمد آسگران

سنت قاضی محمد بدانند و هم به نیازهای بورژوازی کردستان در شرایط امروز جواب بدهند. با طرح این سوال احتمالاً سوال دیگری مطرح شود: مگر تناقضی میان این دو هست؟

جواب من به این سوال احتمالی این است که بطور عینی قاضی محمد و حکومتش اساساً فتودالها و آخوندهای مفتخور زمان خود را نمایندگی میکردند. و هیچ اقدام مشخصی در جهت منفعت مردم و یا در جهت تغییر سیستم فتودالی انجام ندادند. نه تنها این بلکه محکم و بدون ابهام از حاکمیت فتودالها و موقعیت برتر آنها در مقابل دهقانان حمایت

صفحه ۲

در قسمت اول این نوشته خلاصه ای از تاریخ و چگونگی تشکیل حزب دمکرات کردستان را مرور کردیم. در این بخش سعی میکنم مروری به سیاستهای حزب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیست کرد داشته باشم. در این قسمت به جواب این سوال میپردازم که چرا این احزاب تلاش میکنند هم خود را ادامه راه و

فستیوال کودکان در مریوان و کامیاران

صفحه ۶



اعدام در هر شکل و قامتی باید لغو شود



عبدال گلپریان

نمی بود. باید دید که چطور شده است که بالاترین مقام قضایی رژیم

صفحه ۲

رئیس قوه قضائیه رژیم دهها هزار اعدام، هفته گذشته اعلام کرد که منبهد اعدامها در ملا عام صورت نخواهد گرفت و حکم بر ممنوعیت آن داد.

تاریخ بیدایش اسلام و حاکمیت حکومتهای اسلامی تا بختک آخرین رژیم اسلامی، آمیخته با کشتار، اعدام، سنگسار و قتل همراه بوده است. هیچ دورانی از تاریخ حکومتهای اسلامی، بدون کشتار و جنایت و اعدام، يك روز هم قابل دوام

صفحه ۳

انحصار اخبار مربوط به وضعیت محمود صالحی و دیگر زندانیان موقوف!

ناصر اصغری

اخبار اعتراضات کارگری

اعتصاب کارگران مرزی پیرانشهر

اخباری از سایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

جمهوری اسلامی ایران، قصد سنگسار دو زن جوان را دارد! بر علیه این جنایات وحشیانه به اعتراضی بین المللی باید دست زد.

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دوم بهمن (دوم ری به ندان) و تلاش ...

اعدام در هر شکل و قامتی ...

ازصفحه ۱

اسلامی و با فرمان رهبر خامنه ای، اجرای حکم اعدام در ملا عام را ممنوعه اعلام می کند. حقیقت امر این است که عموماً قتل عمدهای دولتی و اعدامها توسط رژیم اسلامی از ابتدا تا کنون و خصوصاً اعدامهای دسته جمعی در تابستان گذشته و در مقابل چشمان بهت زده کودکان و جهانیان، تنفر و انزجار جامعه جهانی را نسبت به یک رژیم آدم کش برانگیخت. افشای این انسان کشی در اعتراضات سپتامبر و اکتبر گذشته از جانب ما کمونیستها و مردم آزادیخواه و برابری طلب در داخل و خارج از ایران، رژیم اسلامی را در منگنه قرار داد. تنفر عمیق مردم در ایران، انزجار کودکان خردسال از این جلادان که در مقابل چشمان آنان این جنایات را مرتکب شدند، به اندازه کافی لرزه بر پیکر حکومت خدا و نمایندگانش در جمهوری اسلامی انداخت.

عقب نشینی رژیم اسلامی در ممنوع اعلام کردن اعدام در ملا عام نشان از شکستی است که به این حکومت تحمیل شد و نشان از ترس و تعرض هر چه بیشتر مردم برای پایان بخشیدن به موجودیت ننگینش است. رژیم اسلامی برای مرعوب کردن مردم، تمام ساطورها، طناب و جرثقیل ها را به میدان آورد اما جوانانی که طناب دار را بر گردنشان آویختند، با پوزخند و با تحقیر کردن دار، طناب و جرثقیل پاسخ توحش اسلامی را دادند.

فرمان ممنوعیت اعدام در ملا عام از جانب قاتلان مستقیم مردم و سران این رژیم، ناشی از یک موج اعتراض انسانی است که تا این حد از برجیدن توحش و بربریت را در مقابل چشمان کودکان و کل جامعه، به این جنایتکاران تحمیل کرد. سران رژیم اسلامی خوب دریافته اند که مردم به ستوه آمده از دست ۳ دهه جنایت و آدم کشی این جانوران، دارند خود را برای بزیر کشیدن کثیف ترین حکومت

تاریخ آماده می کنند. مردم ما و کل جامعه ابران و افکار بین المللی خوب می دانند که ممنوعیت اعدام در ملا عام، " عظوفت رهبر و دستگاه قضایی " نیست بلکه مبارزه وسیع و بین المللی ما مردم، ما آزادیخواهان، ما کمونیستها در به عقب راندن سران و جانیان رژیم اسلامی بود که کشتارهای علنی و دسته جمعی برچینند.

تا همینجا این یک موفقیت برای جبهه انسانیت علیه توحش و آدمکشی این رژیم است. اما هنوز کار زیادی باید کرد.

این جانوران از گور برخاسته در تلاش هستند که تلافی منع اعدام در ملا عام را که به آنها تحمیل شد، در خفا و سیاهچالها و حیاط زندانها ادامه دهند. باید کاری کرد که پدیده اعدام و حتی کلمه اعدام را از ادبیات و بیان در کل جامعه حذف کرد.

اعدام در خفا، و در سیاهچالهای رژیم اسلامی و در طول حاکمیت سیاهش، امر متداولی بوده است. " درس عبرت " دادن نتوانست جامعه میلیونی و معترض علیه این رژیم را ساکت کند. اکنون نیز تلاش دارد همین جنایت را همچنان در خفا و بدور از انظار و افکار عمومی جامعه ادامه دهد.

برای مقابله با هر گونه طرفندی از جانب رژیم و علیه مردم در انجام اعدامهای مخفی، دو امر بسیار مهم در مقابل ما و برای جلوگیری از آن قرار دارد. اول تلاشی بنیادی در بزیر کشیدن این رژیم و برای خاتمه دادن نهایی به قتل، کشتار و اعدام و خاتمه دادن به تمام سیه روزی های اعمال شده به مردم و دوم و همزمان با آن، تلاش و مبارزه ای پیگیر و متحدانه در داخل و خارج برای ممنوعیت اعدام در هر شکل و قامتی.

سران رژیم اسلامی را بعنوان قاتلان نسلی از بشریت در تاریخ این کشور و در انظار جهانیان باید به پای میز محاکمه کشانید.

دمکرات باشد را در دست ندارند. بنابر این علیرغم بی کفایتی فعلی رهبری حزب دمکرات دلیل سیاسی و طبقاتی محکمی وجود ندارد که این جریانات بتوانند ناسیونالیسم کرد و بورژوازی کرد را بهتر از حزب دمکرات نمایندگی کنند. علاوه بر این سابقه و گذشته جبهه متحد کرد به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی و شریک بودن در جنایات این رژیم علیه مردم، نمیتواند از اعتبار اجتماعی لازم برخوردار شود. بقیه جریانات قومپرست مثل پژاک و سازمان زحمتکشان و... هم جریانات جدی و مهمی برای بورژوازی کرد نبوده و نمیتوانند با این توضیحات اکنون باید ببینیم که مراجعه به تاریخ حکومت مهاباد و سنت قاضی محمد و گرامیداشت آن از جانب حزب دمکرات کردستان چه خاصیتی برای آنها دارد. اولین خاصیت این مسئله برای حزب دمکرات این است که این حزب در قامت یک حزب جدی برای گرفتن قدرت در ذهن جامعه تداعی شود. با استفاده از این موضوع در تاریخ خود، در عین حال حزب دمکرات تلاش میکند آن حکومت را حکومت مردم کردستان و نه حکومت مشتی فئودال و آخوند قلمداد کند. این یکی از تحریفهای آشکار آن تاریخ است. زیرا در دوره ۱۱ ماهه حکومت قاضی محمد در مهاباد اینها حتی یک مورد هم نمیتواند به انتخابات و نقش و حقوق شهروندان مراجعه بکنند. زیرا چنین اتفاقی نیفتاد و قاضی محمد و فئودالهای منطقه راساً خود به قدرت تکیه زدند و مردم هم رعیت بودند رعیت ماندند. احزاب دمکرات کردستان با تقدیر از این تاریخ و پذیرفتن تمام و کمال آن حکومت به عنوان حکومت دل خواهشان دارند به طبقات دارا میگویند که مالکیت و برتری آنها نه تنها سر جای خود و مقدس است، بلکه مدافع منافع آنها و حکومت کردن را حق آنها میدانند. بنابر این حزب دمکرات آگاهانه نه با نقد آن حکومت که با تقدیس آن، این دو هدف امروزی را تعقیب میکند.

عشیرتی و فئودالی خود را به نمایش میگذارد. اما تفاوت در این خصوصیات به این معنی نیست که مثلاً جبهه متحد کرد جایگاه جدی تری به نسبت حزب دمکرات در سیاست داشته باشد. این دو نهایتاً در کنار هم و در دفاع از منافع بورژوازی کرد در مقابل مردم قرار دارند. اما این فاصله و جدایی صوری فعلی میان آنها به دلیل عدم کفایت حزب دمکرات در نمایندگی کردن بورژوازی و ناسیونالیسم کرد است. چهره های شاخص جبهه متحد کرد همانند حزب دمکرات با احترام خاصی به جمهوری مهاباد و قاضی محمد می نگرند. اما تلاش کرده اند که از ایدئولوژی ناسیونالیستی در خدمت بورژوازی کرد استفاده کنند و سیاستهای آنها اساساً در هماهنگی بیشتری با بورژوازی ایران بوده است. در حالیکه حزب دمکرات با ادامه فرهنگ عشیرتی تلاش کرده است که ناسیونالیسم کرد را با تاریخ قبلی و سنت قاضی محمد توضیح بدهد.

اما با وجود تفاوتهای سیاسی و فرهنگی گروه بندیهای فعلی در میان جریانات ناسیونالیست کرد از نوع پژاک، پ.ک، سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات و جبهه متحد کرد و... همگی از یک ایدئولوژی ناسیونالیستی تغذیه میکنند. همه اینها تلاش میکنند سخنگوی جریان اصلی بورژوازی کرد در کردستان باشند. ولی بورژوازی کرد فعلاً منافع خود را در هماهنگی با بورژوازی ایران تعقیب میکند. به همین دلیل شانس حزب دمکرات (منظورم همه جناحهایی آن است) به دلیل سابقه تاریخی و تحزب یافتگی اش بیش از بقیه است. علیرغم بی کفایتی رهبری فعلی حزب دمکرات جریانات دیگر امکان و شانس اینرا ندارند که رقیب اصلی و جدی در جنبش ناسیونالیستی و بورژوازی کرد برای این حزب باشند. زیرا بقیه این جریانات از پشتوانه تاریخی و ظرفیت و زمیننه رشد در مقایسه با حزب دمکرات حاشیه ای ترند. پرچم و خواست دیگری که حاکی از تفاوتی جدی با حزب

کردند و اساساً ۱۱ ماه حکومتشان در مهاباد دست فئودالها و آخوندها بود.

بنا بر این حزب دمکرات امروز با یک تناقض جدی روبرو است. از یک طرف باید خود را ادامه سنت قاضی محمد قلمداد کند و از جانب دیگر باید منافع بورژوازی کرد را نمایندگی کند. این تناقض بر دست و پای حزب دمکرات پیچیده است و تا کنون اجازه نداده است به عنوان یک حزب بورژوایی در مقابل عشایر و فرهنگ فئودالی نقدی و تحرکی جدی از خود نشان بدهد. مثلاً هنگامی که در مقطع بعد از انقلاب ۱۳۵۷ فضای سیاسی باز شد، مردم کردستان در مقابل بقایای خانها و فئودالها اقدام به مصادره زمینهای آنها کردند. حزب دمکرات کردستان ایران آشکارا و بدون ابهام از فئودالها حمایت کرد و بارها با جنبش دهقانی آن دوره به مقابله پرداخت.

اتفاقاً همین تناقض حزب دمکرات میدان مانور بیشتری به جریانات چپی مثل کومله در کردستان داد که با حمایت از جنبش دهقانی علیه فئودالها به سرعت در میان مردم کردستان محبوبیت پیدا کند. حزب دمکرات هیچ وقت با فرهنگ امروزی بورژوایی نتوانسته است خود را کاملاً تطبیق دهد. همیشه با فرهنگی عشیرتی و عقب مانده در عرصه های سیاسی و فرهنگی ظاهر شده است.

در یک مقایسه ساده روش و سیاست ناسیونالیستهای دوم خردادی به فرهنگ بورژوایی بیشتر نزدیک است تا فرهنگ و سیاست حاکم بر حزب دمکرات. درست است که این دو با ایدئولوژی ناسیونالیستی و یاری گرفتن از مذهب در خدمت منافع بورژوازی کرد بوده اند، اما حزب دمکرات همچنان در چنبره فرهنگ عشیرتی و محلودنگری مختص به این فرهنگ دست و پا میزند. در حالیکه فرهنگ سیاسی حاکم بر جمع و افراد شاخص جبهه متحد کرد با همین سیاست و ایدئولوژی ناسیونال اسلامی نزدیکتر به سیاست و فرهنگ بورژوایی و دورتر از فرهنگ

درباره ناسیونالیسم کرد . . .

از صفحه ۱

خودمختار کردی مثل جمهوری مهاباد برای ناسیونالیست‌های ندارد. اما جمهوری مهاباد قبل از هر چیزی، حزب دمکرات کردستان ایران را در اذهان تداعی می‌کند. گرچه امروز گروه‌های دیگری هم خودشان را به این روز آویزان می‌کنند، اما قاضی محمد، رئیس دولت جمهوری مهاباد، اولین رهبر این حزب نیز بود. هدف این نوشته پرداختن به جمهوری مهاباد و قاضی محمد و یا گروه‌های دیگر ناسیونالیست کرد در ایران نیست. می‌خواهم نظری به انشعاب حزب دمکرات کردستان ایران بیاندازم. اگر شما هم با یکی دو تا از اعضا یا کادرهای این حزب آشنائی داشته باشید و آخرین انشعاب این حزب شما را هم کنجکاو کرده و از این آشناهایتان دلیلش را پرسیده باشید، بعید نیست جوابی را که من شنیده‌ام، شما هم شنیده باشید. یکی از این آشنایانم با شوخی و برای اینکه از زیر جواب در برود می‌گفت که "فرشان يك خط تیره (-) است." یعنی یکی "حزب دمکرات کردستان ایران" است و دیگری "حزب دمکرات کردستان ایران". یکی هم می‌گفت مسئله بر سر موقعیت تشکیلاتی و نزاع قدرت بین مصطفی هجری و عبدالله حسن زاده بوده است. جواب دوم گرچه بسیار ارباب و رعیتی است، اما واقعی است. اگر حتی دعوا بین عبدالله حسن زاده و مصطفی هجری بر سر دبیر اولی این حزب است و کادرهای این حزب ریشه اختلافات را نبینند، در واقع دارند به خودشان به عنوان یک رعیت نگاه می‌کنند؛ چرا که در بین دعوای دو ارباب جانب یکی را گرفته‌اند، بدون اینکه واقعا بدانند موضوع سر چیست!

موضوع سر چیست؟

حزب دمکرات کردستان ایران تا قبل از دوره خاتمی نماینده اصلی ناسیونالیسم کرد بود. اکنون جز در محافل خارج کشور و آنهم از سر دیپلماسی، که گروه‌های ناسیونالیست کرد به احترام همدیگر کلاه از سر بر می‌دارند و در مراسمشان به همدیگر پیام می‌دهند، حزب دمکرات کردستان را در بستر اصلی فعالیت خود، یعنی کردستان، نمیتوان بعنوان نیروی جدی ناسیونالیسم کرد به حساب آورد! عبدالله حسن زاده در دیداری با عرفان قانعی فرد این ادعا را اعتراف می‌کند. می‌گوید: "دوران حضور ما به پایان رسیده و مردم جور دیگری به اوضاع می‌نگرند." جز در حضور بهم رساندن در سالن‌های انتظار کاخ سفید و تقاضای بمب باران از آمریکا، در هیچ واقعه سیاسی مهمی بحثی از تأثیرگذاری سیاسی این حزب به میان نیامده است. البته پائین تر به بخش منشعب حزب دمکرات کردستان که گفته است موافق حمله آمریکا به ایران نیست، خواهیم پرداخت.

اتکاء اصلی ناسیونالیسم کرد و نیروهای نماینده آن نه به مردم کرد زبان، بلکه به شکاف‌های منطقه‌ای بین دولت‌ها بوده است. اگر دولت مرکزی کوچکترین تمایلی در برسمیت شناختن آنها نشان داده و امتیازی به این نیروها داده است، بدون هیچ ملاحظه‌ای جواب مثبت دریافت کرده است. دو مورد بسیار مشخص و علنی شده این ادعا، ترور عبدالرحمان قاسملو و صادق شرفکندی بود که در واقع برای مذاکره با عوامل مستقیم و غیرمستقیم دولت اسلامی حضور به هم رسانده بودند که متأسفانه به دام تروریست‌های اسلامی افتادند. حزب دمکرات کردستان بعد از شرفکندی و در دوره خاتمی این فرصت را از دست داد. گرچه این حزب هیچ‌گاه به عنوان یک جریان جدائی طلب شناخته نشده و این "اتهام" نسبت به خود را رد کرده است، اما در این دوره بر سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید داشته است.

در دوره خاتمی که می‌توانست از آن نم‌بر برای خود کلاهی بدوزد، فرصت را سوزاند و از دست داد! یعنی زمانی که جمهوری اسلامی در اوج قدرت خود بود، رهبران حزب دمکرات برگ مذاکره با رژیم را رد نکردند. اما در دوره خاتمی که در

واقع دوره زوال جمهوری اسلامی شروع شده بود، حزب دمکرات موضوعی گرفت که به جریانات و محافل دیگری از ناسیونالیسم کرد میدان داده شد. جریاناتی چون "کمیسیون کرد مجلس اسلامی"، "جبهه متحد کرد"، و "پژاک" و شخصیت‌هایی چون بها ادب و گروه‌های دیگر ناسیونالیستی رشد کردند که توجه محافل ناسیونالیستی کرد را چه در داخل و چه در خارج به خود جلب کردند. حزب دمکرات هر فرصتی را غنیمت می‌شمرد که از آن استفاده کرده تا توسط دولت مرکزی به عنوان نماینده سیاسی مردمی که ادعای نمایندگی آن را دارد به رسمت شناخته شود. قاسملو و بعد از او شرفکندی این سیاست را دنبال می‌کردند. اما رهبری بعدی حزب دمکرات علی العموم به قول منصور حکمت بی‌برنامه بود.

شاید این سؤال مطرح شود که ساختن و مذاکره کردن با رژیمی که وارد دوره زوال خود شده است، به ضرر حزب دمکرات کردستان تمام می‌شود. این منطق در باره یک جریان ناسیونالیستی درست نیست. مثال‌های زیادی می‌توان آورد که یک نیروی ناسیونالیست واقع بین و پراگماتیست، در هر شرایطی به استقبال مذاکره با دولت مرکزی رفته‌اند؛ و حزب دمکرات کردستان ایران هم بارها گفته است که برای حل مسئله ملی کرد، (حالا آنطوری که او تعریف می‌کند) حاضر است با رژیم سر میز مذاکره بنشیند. اگر جمهوری اسلامی حزب دمکرات کردستان را به عنوان یک نیروی نماینده حتی بخشی از ناسیونالیسم کرد می‌پذیرفت، این جریان برای خودش جایثی باز می‌کرد. ناسیونالیست‌هایی که امروز دور جریانات دیگر ناسیونالیستی که بالاتر از آنها اسم برده شد جمع شده‌اند، آن وقت امید به این حزب پیدا می‌کردند. اتفاقاً عروج و رشد این جریانات از سر نامیدی ناسیونالیسم کرد به حزب دمکرات کردستان از به کرسی نشاندن آمل این جنبش است.

اگر جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب سرنگون شود، مردم کردستان از حزب دمکرات و تعیین لباس پاسبان‌ها در خیابان‌ها، که این حزب علی‌العموم نماینده چنین

خواست‌هایی است به سرعت عبور خواهند کرد. رهبری این حزب به درست برای سرنگون شدن این رژیم به قدرت انقلاب توده‌ها، به رژیم چپ آمریکا دل بسته است.

با چنین تضعیف و حاشیه‌ای شدن حزب دمکرات کردستان، و در واقع قائل شدن نقش حقیقی چون سازمان زحمتکشان و اشخاص ناشناسی که بعنوان نمایندگان اعراب و بلوچ‌ها و غیره در ایران معرفی می‌شوند، برای جریانی که در گذشته‌ای نه چندان دور به عنوان نماینده اصلی ناسیونالیسم کرد شناخته شده بود، حتی اگر اعضای رهبری آن، مشکل سیاسی خاصی با همدیگر نداشتند، به خاطر از دست دادن همین فرصت‌ها، و تنزل موقعیت آن به چنین فلاکتی، باعث شکاف در صف رهبری این جریان می‌شد. هر جریانی، چه ناسیونالیستی، چه غیر آن، اگر فرصت‌ها را به این سادگی از دست بدهد و وارد دوران افول خود بشود، وری اینک در باره خودشان چه می‌گویند و دیگران در باره‌اش چه می‌گویند، دچار اختلاف خواهد شد. حزب دمکرات کردستان به چنان سرازیری‌ای افتاده است که خودشان می‌گویند دوره‌شان به پایان رسیده است.

یک نیروی جدی ناسیونالیستی نه سیاست ساختن با دولت مرکزی را از دست می‌دهد، و نه سیاست رژیم چپ را. قاعدتاً باید از تجارب جلال طالبانی و مسعود بارزانی استفاده می‌کردند. منتها حزب دمکرات کردستان نه در این موفق است و نه در آن یکی. در صحنه سیاست ساختن با دولت، فرصت‌های خوب را می‌سوزاند و به تله‌های رژیم می‌افتد. حتی وقتی که بها ادب در صدد پیوند دادن آنها و کومله با دولت اسلامی بود، حزب دمکرات قدرتمند ظاهر نشد. در صحنه خارجی و رژیم چپ هم محاسبات بخصوص بخش مصطفی هجری این حزب، بر مبنای تجربه عراق بود. اما این‌ها متوجه نشدند که آمریکا بعید است دیگر به شیوه رژیم صدام رژیم دیگری را سرنگون کند.

بخش انشعابی این حزب به رهبری عبدالله حسن زاده نسبتاً

پراگماتیست تر است. وقتی که مصطفی هجری در سالن‌های انتظار کاخ سفید، منتظر دیدار با سیاستمداران دست چپ آمریکا بود تا از ایشان خواهش کند ایران را بمب باران کند و رژیم آن را برای ایشان سرنگون کند، عبدالله حسن زاده می‌گفت: "بدا به احوال کسی که از کشوری خارجی بخواهد که وطنش را برایش اشغال کند و حکومتش را تغییر دهد! ... من هر روز عراق را می‌بینم و هرگز حاضر نیستم که چنین بلایی سر کشورم بیاید و ایران به چنین حال و روزی مانند عراق بیافتد! ... الان هم من برای دفاع از سرنوشت مردم، حاضریم با حکومت گفتگو کنم."

باعث این وضعیت چیست؟

جنبش ناسیونالیستی در غیاب یک آلت‌رئیتی سوسیالیستی می‌تواند میدان مانور داشته باشد. در کردستان ایران، ناسیونالیسم کرد و جریان نماینده این جنبش هیچ وقت دستش باز نبوده است. فشار چپ جامعه، حزب دمکرات کردستان را به یک جنگ طولانی با کمونیست‌ها کشاند که نهایتاً مجبور به قبول شکست شد. دوره کنونی دیگر دست بالا پیدا کردن چپ در جامعه را حتی ملاقات کنندگان مصطفی هجری در کاخ سفید به وی یادآوری کردند. چپی که در جامعه دست بالا را دارد حزب دمکرات را در دایره چپ این جامعه قرار نمی‌دهد. اگر منظور از چپ، جناح چپ جنبش ملی اسلامی بود، شاید جایی برای حزب دمکرات کردستان در معادلات آینده وجود داشت. اما چپی که دست بالا پیدا کرده است، به چیزی کمتر از کل آزادی رضایت نمی‌دهد. ناسیونالیسم کرد، همانند هر ناسیونالیسمی سد راه آزادی است. جنبش برابری طلبی جایی برای بند و بست با بالائی‌ها را برای هیچ نیروی باقی نگذاشته است. نه بمب‌های آمریکائی را می‌خواهد و نه حکومت قرآن و وحشت اسلامی را. کسانی که واقعا می‌خواهند از شر جمهوری اسلامی راحت بشوند و بر ستم ملی هم نقطه پایانی بگذارند، باید به صف انقلاب و برابری طلبی جامعه بپیوندند.

جریانات ناسیونالیست منافع . . .

از صفحه ۱

ناصر اصغری

این مسئله پرداخته نشود به این خاطر خواستیم در این نوشته به زوایای از این پدیده "سازش کاری" که هرگز در فرهنگ ناسیونالیسم کردی جدید نیست و همچنین در کل به ناسیونالیسم ایرانی نگاهی گذار بیاندازم. همانطور که اسنگران بخوبی به این مسئله اشاره میکنند که دهن کجی و نادیده گرفتن مردم از طرف سران و رهبران احزاب ناسیونالیست در مورد مردمی "ملت کرد" که خود را ناجی، حامی و بشارت دهنده آنها معرفی میکنند همیشگی بوده و آنان همواره در حال دور زدن و سرکیسه کردن همان "ملت" برآمده اند. سیاست های دروغین و ارتجاعی این جریانات همیشه گمراه کننده بوده است. به همین دلیل هیچگاه مورد استقبال بخش آگاه و سیاسی جامعه قرار نگرفته است.

از جمهوری مهاباد تا به امروز را اگر نگاه کنید تاریخ این جریانات همواره عشیرتی بودن و معامله و مصامحه رهبران ناسیونالیست کرد با دشمنان مردم را نشان میدهد. تاریخا این جریانات هیچگاه نتوانسته اند روشنی بخش راه مردم به سوی یک زندگی بهتر باشند. اساسا دغدغه این جریانات هم این نیست و هیچ وقت نبوده است. تمام سعی و کوشش این جریانات این بوده که در قدرت سیاسی ایران نقشی به آنها داده شود. سران آنها آشکارا و مدام به معامله با دشمنان مردم مشغول بوده اند. حالا هم اگر اوجلان به حزبت توصیه میکنند که با جمهوری اسلامی همکاری کند، زیاد جای تعجب نیست. این خصلت و سیاست واقعی و همیشگی این نوع جریانات بوده است. حزب دمکرات هم از کاندید دو خردادی ها و آخوندهای اتو کشیده از نوع خاتمی حمایت کرد.

اما حال باید دید پیامد و معنی این خودکشی سیاسی اوجلان (سازش و نزدیکی پک ک و پژاک با جمهوری اسلامی) چه خواهد بود. مسلما اولین معنی و پیامد سیاسی این موضوع مقابله با چپ جامعه و کمونیستها و طبقه کارگر است. به احتمال زیاد شرط جمهوری اسلامی

محمود صالحی از رهبران سرشناس جنبش کارگری که اکنون دارد در زندانهای جمهوری اسلامی به سبیل مقاومت نیز تبدیل می شود، فعلا "مهمان" زندان مخوف و زندانبانان جانی و مسلمان جمهوری اسلامی است. نه تنها در وضعیت بسیار ناگوار جسمی به سر می برد، بلکه اخیرا نیز گفته است که جمهوری اسلامی دارد نقشه قتل پزشکی او را می کشد. یعنی در راه زندان به بیمارستان و برعکس، نقشه کشتن او را می کشند تا بعد این را یک مرگ طبیعی جلوه دهند. جوبنی هم حدی دارد!

این را همه می دانیم. در باره فشارهای روحی و جسمی و روانی روزافزون بر او، زیاد گفته شده است. جریانات زیادی مشغول کمپین بر علیه در زندان نگه داشتن وی هستند. او به یک چهره جهانی تبدیل شده است. این نقطه قوت جنبش کارگری و بخصوص جنبش حمایت از محمود صالحی است.

مهمتر از هر چیزی سلامتی شخص محمود صالحی است که باعث نگرانی همه بویژه اعضای خانواده وی شده است. این را همه باید به رسمیت بشناسند. آنچه را که می خواهیم یادآوری کنیم این است که محمود صالحی در عین حال سبیل جنبش کارگری نیز شده است و این باعث می شود آدمهای زیادی درگیر این مسئله بشوند و آن را از نزدیک دنبال کنند! منابع خبری در باره

وضعیت وی هم فقط یک کانال نیست. دوستان خوب "کمیته دفاع از محمود صالحی" در این رابطه کارهای با ارزش زیادی کرده اند. اما همچنانکه بالاتر هم اشاره کردم، باید این را قبول کنند که تنها منبع اخبار مربوط به وضعیت محمود صالحی نیستند. این را اینجا برجسته می کنم که اخیرا خبری در باره توطئه قتل محمود صالحی منتشر شد و دوستان در این "کمیته" آن را تکذیب کرده و واکنش نشان دادند.

موضوع از این قرار است که سایت "ایران پرس نیوز" روز ۲۸ دی ماه خبری با تیتیر "توطئه قتل پزشکی محمود صالحی در بیمارستان توحید سندانج" منتشر کرد که گویا پاسداران رژیم اسلامی محمود صالحی را به بیمارستان توحید سندانج می برند و ظاهرا ایشان عارضه قلبی داشته است! اما یکی از انترنهای بخش قلب بیمارستان گفته است که محمود صالحی هیچ نشانه ای از عارضه قلبی نداشته است. این خبر به درست زنگ خطر را به صدا در آورد و سازمان ها و احزاب و افراد زیادی اظهار نگرانی کرده و هشدار دادند. اما روز بعد دوستان "کمیته دفاع از محمود صالحی" اطلاعیه ای منتشر کرده و آن را تکذیب کردند. در این اطلاعیه با کمال تعجب همه خوانندگان آمده است: "ما اعلام میکنیم که هر

آگاهی واقعی است و قابل لمس است. به این دلیل ساده که آنها بخوبی به این مسئله پی برده اند که جامعه ایران آنان را در صحنه سیاست جاری حاشیه ای کرده است. شعار اکتیو اینها در جامعه "یاشاسین اذربایجان" و "زنده باد پارس و کورش کبیر" و "زنده باد قاضی محمد و اوجلان" است. اما شعار توده های مردم آزادی و برابری است. در مقابل اینها امروز بخش آگاه و الیت سیاسی جامعه با

خصوصا خاور میانه بدهد ببینیم و این جریانات ناسیونالیست کرد و دیگر جریانات ریز و درشت ناسیونالیست ایرانی ازپان تورکیست ها گرفته تا دیگر قومپرستان و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی همه در جهت سیاستهای آمریکا مشغول گام نهادن در این سناریو سیاه هستند. البته این سیاست دارو دسته های سناریو سیاهی چندان تصادفی و از عدم آگاهی سیاسی آنها نیست، بلکه این کاملا از روی

خبری منوط به وضعیت جسمانی محمود صالحی و همچنین نوشته ها، بیانیها و اطلاعیه های محمود صالحی، چنانچه در ویلاگ کمیته دفاع از محمود صالحی درج نشود، فاقد اعتبار است. گذشته از اینکه خبر دیگری روز ۵ بهمن ماه مبنی بر اینکه در دیدار همسر محمود صالحی با او، خود او تصدیق کرده است که جمهوری اسلامی نقشه پنهانی برای قتل وی در سر دارد؛ اما دوستان "کمیته" شما چگونه صاحب یک چنین انحصاری شده اید؟ این دیگر چه فرهنگی است و از کجا وارد شده است که جامعه تاکنون از آن بی خبر بوده است؟ شما می توانید خبری را تأیید یا تکذیب کنید، اما لطفا این فرهنگ حاشیه ای شده سکناریستی را دامن نزنید. به نفع هیچ کس، بخصوص محمود صالحی و خانواده اش نیست. اگر این خبر به موقع منتشر نمی گردید و باعث عکس العمل به موقع بین المللی نمی شد، معلوم نبود که جمهوری اسلامی چه بلائی سر چند زندانی دیگر می آورد. بهر حال به نظر می رسد که قبل از هر چیزی اسب اشتباهی را لگام می زنید. نباید اجازه داد حداقل اخبار مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی را کسی با این ناحقی منحصر شود.

۳۰ ژانویه ۲۰۰۸

شعارهای چپ و رادیکال و سوسیالیستی و با "زنده باد سوسیالیسم" و "یک نژاد و آن هم نژاد انسان" و... پا به این عرصه گذاشته است. این روند دقیقاً در نقطه مقابل سیاست این جریانات ضد انسانی و عقب مانده قرار میگیرد. این مسئله که اکثر این جریانات در جامعه بدون بنیانند و چشم انداز مثبتی برای خود متصور نیستند عینی و واقعی است. در

جریانات ناسیونالیست منافع . . .

از صفحه ۴

این حالت مسلمانان تنها راهی که برای آنها باقی میماند دنباله روی از سیاستهای نظم نوینی به رهبری آمریکا در چهار چوب سرمایه داری بازار آزاد است.

اما سیاست و مواضع سیاسی این جریانات پی در پی شکست خورده و با نقد رادیکال چپ در جامعه حاشیه ای شده است. جامعه از موانع زیادی عبور کرده است. جریانات کمپ ناسیونالیست عظمت طلب ایران، را ببینید که چطور سنگ روی یخ شدند. یک روز پشت سر سیاستهای وحشیانه و جنگ افروزانه جمهوری اسلامی به بهانه ایران واحد و حفظ یکپارچگی آن قرار میگیرند و انتخاب بین بد و بدتر را به مردم توصیه میکنند. یک روز رفتارندومچی میشوند و روز دیگر پرچم انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی بر میدارند. یک روز سلاح هسته ای را حق ایران می دانند در کنار احمدی نژاد قرار میگیرند. روزی از ملی مذهبیها و خاتمی حمایت میکنند روز دیگر سرنگونی طلب میشوند. این اواخر همه گان دیدند که چه مذبحخانه داریوش همایون و حزب مشروطه اش اعلام کردند که اگر آمریکا بخواهد به ایران حمله کنند پشت سر جمهوری اسلامی خواهند رفت و در کنار خامنه ای قرار میگیرند. اما امروز تمام اینها پشت سر گذاشته شده و جامعه راه دیگری غیر از راه آنها رفته است.

البته وضع دیگر نیروها و جریانات ناسیونالیست نه تنها از این بهتر نیست بلکه وخیم تر نیز هست. مطرح بودن و نبودن و جایگاه تمامی این جریانات به سیاستهای بوش و دیگر سران آمریکا گره خورده است. به این خاطر مجبورند در راستای سیاستهای ملیتاریستی آمریکا گام بردارند. دیدیم که چهار نعل به استقبال جنگ عراق و لشکر کشی آمریکا به منطقه رفتند و در تصور باطل خود میپنداشتند که بعد از عراق نوبت ایران هم می شود. فکر کردند در پناه بمبهای آمریکایی آنان به نان و نوای میروند. بخشی از اینها بویژه جریانات قومی نشستند و شتابان سناریو سیاه و فدرالیسم را سیاست رو

را به قطب ازادیخواه و برابری طلب و سوسیالیست جامعه باخته است. هیچ جریان طرفدار سرمایه در ایران از این مرض جان سالم بدر نبرده و نخواهد برد.

جریانات ناسیونالیست باید در یابند که دوران ملت سازی و غیره به پایان رسیده است همان سرمایه داری که ۲۴ ساعته در بوق و کرنا میکشد توانسته مرزها را در هم بکوبد و انسانها را در دورافتاده ترین مناطق جهان به سیخ بکشد و آشمار کند و امروز اگر جنگی هست، اگر رویاروی و تلاشی هست، تلاش برای از بین بردن آشمار و ستم کشی بر انسانها است نه ملت سازی و دولت سازی و از این قبیل خرافات. بهر حال گذشته از تمام اینها دغدغه مردم در ایران و کردستان امروز حکومت خودی و استقلال و غیره نیست.

امروزه مردم رفاه و آزادی و برابری و مسکن و بهره بردن از کلیه نعمات یک زندگی شاد انسانی را میخواهند. مردم میدانند این خواسته های بحق شان از مجرای حکومت سازی و ملت سازی و قومپرستی حکومت خودی و غیره نمیگذرد. زیرا مردم این نوع حکومتها "ملی و کردی" را در کردستان عراق دیده و تجربه کرده اند. بعد از ۱۸ سال از حاکمیت آنها هنوز مردم از ابتدای ترین امکانات زندگی مثل آب و برق محروم هستند. حتی به اندازه دوران صدام حسین که با هزار بدبختی رویرو بودند و علیه آن قیام کردند از امکانات زندگی بهره مند نیستند.

مردم میخواهند نظام سرمایه داری توحش اسلامی را از ریشه برکنده و اداره امور جامعه را خود بدست گیرند تا همه بتوانند از یک زندگی کاملاً انسانی برخوردار باشند و با اطمینان میتوان گفت مهمترین دغدغه مردم بهبود موقعیت زندگی خود و تبدیل آن به یک زندگی انسانیست و برای آن تلاش میکنند.

بنابر این تلاشهای این دارو دسته های نسیونالیست، فقط خاک پاشیدن به چشم مردم و سد شدن در برابر اعتراضات اجتماعی و آدیخواهانه کارگران و مردم در ایران است. باید در مقابلشان ایستاد و سیاست های ضد انسانی این

اعتراض کارگران زغال سنگ طیس به عدم دریافت دستمزدها راهپیمائی کارگران چینی البرز در اعتراض به عدم دریافت دستمزدها اعتراض کارگران کارخانه الیاف جاده قدیم کرج به عدم دریافت دستمزدها قطع گاز ۱۰۰۰ کارگر دیگر را نیز بیکار کرد

اعتراض کارگران زغال سنگ طیس به عدم دریافت دستمزدها
بنا به خبری که روز ۱۴ بهمن منتشر شده است، ۱۲۰۰ تن از کارگران شاغل در معدن زغال سنگ طیس، دو ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و اعلام کرده اند که دست به اعتصاب خواهند زد.

راهپیمائی کارگران چینی البرز در اعتراض به عدم دریافت دستمزدها
کارگران کارخانه چینی البرز قزوین، صبح روز ۱۳ بهمن در اعتراض به عدم دریافت پنج ماه حقوق، از محل کارخانه تا فرمانداری آن شهر راهپیمائی کردند. کارگران پس از این راهپیمائی در مقابل فرمانداری تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی از جمله "حمایت از کارگر، دروغ است" خواستار رسیدگی به مطالبات خود از جمله دریافت حقوق خود و بهبود وضعیت کاری خود شدند.

قطع گاز ۱۰۰۰ کارگر دیگر را نیز بیکار کرد

با قطع گاز و تعطیلی ۴۰ کوره آجرپزی، هزار کارگر شاغل در پاکدشت نیز به خیل بیکاران پیوستند. قبلاً نیز به اطلاع رساندیم که بیش از ۱۱۰۰ تن از کارگران کوره پزخانه های استان تهران و دیگر بخشها نیز به دلیل قطع گاز از کار بیکار شده بودند.

اعتراض کارگران کارخانه الیاف جاده قدیم کرج به عدم دریافت دستمزدها

طبق خبری که روز ۱۴ بهمن منتشر شده است، کارگران کارخانه الیاف در جاده قدیم کرج، در اعتراض به ناامنی شغلی بخاطر فروش کارخانه و

جریانات را افشا کرد و جلو دید همگان قرار داد تا مردم با راستی این واقعیت را دریابند که جریانات ناسیونالیست در جامعه هیچگاه

منافع واقعی آنان را نمایندگی نمیکند.

به امید یک دنیای بهتر



فستیوال "تحمیل فقر، خشونت و جنگ بر کودکان دیگره در مریوان"



www.koodakan.blogspot.com

Mariwan-2008F ebruary 03

رسید.

روابط عمومی کانون دفاع از حقوق کودکان

یکشنبه - بهمن ۱۳۸۶

بیانیه فستیوال آدم برفی ها " تحمیل فقر، خشونت و جنگ بر کودکان دیگره"

در این روزهای سرد زمستانی که هزاران کودک در سرما در کنار خیابانها و خرابه ها شب و روز را با هزاران آه و ناله به هم می رسانند تا تکه نانی برای بقاء خود و خانواده هایشان پیدا کنند ما در این جا امروز گرد آمده ایم که نشان دهیم هنوز هم وجدان بیداری هست که آنها را از یاد نمی برد و تلاش می کند پرچم دفاع از حقوق آنها را سرفراز از دست بگیرد به جامعه به دولت به هر آنچه که امروز زندگی این کودکان را قربانی رنج و سختی، قربانی فقر و نداری، قربانی جنگ و وحشت و خشونت و بی حقوق کرده است با صدای بلند به آنها بگویم دیگر بس است بس کنید و خجالت بکشید در چنین شرایطی که به یمن پیشرفت علم و فناوری، دستاورد های انسانی قادر است، همه ی این کودکان را به رفاه برساند قادر است غذای کافی، گرمای مناسب و بهداشت برایشان فراهم کند چرا اینگونه زندگی این کودکان را به دست روزگار سپرده اید. چرا کودکی شان را به تباهی کشیده اید. چرا غذا و پوشاک و گرما را از آنها دریغ می کنید. چرا شادی را از آنها سلب می کنید.

صفحه ۷

بیش از سه هزار نفر از مردم شهر مریوان در فستیوال " تحمیل فقر، خشونت و جنگ بر کودکان دیگره" شرکت کردند.

هزاران کودک و نوجوان در فضای سرشار از شور شادی، آدم برفی های خود را درست کردند. کودکان و نوجوانان سرود خوانند و رقص و پایکوبی کردند.

در این تجمع بزرگ شهروندان مریوانی، دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان، دانش آموزان مدارس، کودکان کودکان، فعالین مدنی... شرکت کردند. فعالین کانون دفاع از حقوق کودکان بعنوان برگزار کنندگان این متینک درباره حقوق کودکان، مشکلات و مطالبات جنبش دفاع از حقوق کودک سخنرانی کردند گروه تاتر نوجوانان نمایش "نه به جنگ" را در محل مراسم اجرا کردند.

سخنرانی و اجرای برنامه ها با کف زد، شور و شوق هزاران شرکت کننده حمایت می شد.

علیرغم ذوب شدن برف ها و کمبود برف در محل مراسم صدها مجسمه برفی توسط مردم در اشکال مختلف ساخته شد.

در پایان مراسم قطع نامه ای با ۱۴ بند بعنوان مطالبات جنبش دفاع از حقوق کودکان قرائت شد که هزاران نفر از مردم با تشویق و تایید بند بند آن را مورد حمایت قرار دادند.

گزارش تکمیلی همراه با تصویر و فیلم، اسامی سخنرانان، جزئیات سخنرانی ها و مراسم به مراتب به اطلاع عموم خواهد

تمام کودکان اعم از دختر و پسر از هر خانواده و طبقه ای به بهداشت و مراکز بهداشتی بصورت رایگان هستیم.

ما خواستار تأمین یک زندگی شایسته انسانی برای کودکان معلول توسط دولت هستیم.

ما خواستار مراقبت ویژه از زنان باردار و نوزادان از نظر تغذیه و بهداشت بدون در نظر گرفتن شرایط خانوادگی

اجرای فوری و دقیق پیمان نامه جهانی حقوق کودک و دیگر مصوبات بین المللی برای حمایت از حقوق کودک، باید جزو اولین اقدامات دولتها قرار گیرد.

ممنوعیت هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت سن نژاد رنگ پوست زمان، مذهب قومیت و یا هر یک از بردارهایی که مربوط به موقعیت والدین کودک باشد. تأمین مسکن با استانداردهای بالای زندگی که برای رشد و تکامل ذهنی، جسمانی، احساسی و روحی کودک لازم است.

تحت تکلف قرار دادن کودکان بی سرپرست توسط دولت و تأمین مسکن و امکانات زندگی و تربیتی با استانداردهای بالای بین المللی. کودکان مهاجر به ویژه مهاجرین جنگی، جدا از ملیت نژاد، مذهب و... بخصوص کودکان افغانی و عراقی در ایران بایستی از تمامی امکانات رایج در کشور بدون هیچ قید و شرطی برخوردار گردند.

ممنوعیت و اعلام جرم علیه تمامی اشکال شکنجه و آزار کودکان به هر شکل و بهانه (تنبیه، تربیت، سوءاستفاده های مختلف و...) توسط هر شخص و ارائه راهکارهای حقوقی و اجتماعی جهت مقابله با آن.

ما همگام با تمامی سازمانها و افکار عمومی جهانی و مخصوصاً سازمان ملل، خواستار لغو و ممنوعیت اعدام کودکان هستیم.

ممنوعیت هرگونه مراسم فرهنگی، آداب و رسوم و سنتهایی که برای کودکان ناسالم است از جمله ختنه دختران.

ما خواهان ممنوعیت تمامی اشکال کار کودکان می باشیم. دنیای کودکان، دنیای بازی و شادی است نه جنگ و خونریزی، ما خواستار لغو و پایان دادن به جنگ و خشونت در دنیا هستیم.

فستیوال برف و بازی کودکان در کامیاران برگزار شد

این مراسم یکی از نوجوانان قطعنامه ای را قرائت کرد که حاوی خواسته ها و مطالبات انسانی شرکت کنندگان برای کودکان بود.

کمیته کردستان حزب ضمن تبریک و شادباش به کودکان در این مراسم به همه فعالین کودک و دست اندرکاران این مراسم خسته نباشید میگوید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ بهمن ۱۳۸۶

به فراخوان فعالین کودک و کانون دنیای شاد برای کودکان در کامیاران فستیوالی در دفاع از حقوق کودکان برگزار شد. روز دو شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۸۶ حوالی ظهر مراسم شادی و بازی کودکان آغاز شد و به مدت ۲ ساعت کودکان در فضایی شاد به برف بازی و دیگر بازیهای کودکان پرداختند.

والدین و بزرگ سالان در این مراسم همراه کودکان به بازی و شادی پرداختند و از دنیای کودکان سخن گفتند. در ادامه

قطعنامه فستیوال بزرگ برف و بازی کامیاران ۱۵ بهمن ۱۳۸۶



متحمل گردیده در ایجاد تشکل و صفوف اعتراضی، مصرا نه بر خواسته هایش پافشاری مینماید.

ما فعالین و مدافعان حقوق کودک امروز در این مکان گرد آمده ایم تا بنا بر رسالت خویش در راستای جلب توجه افکار عمومی و ارائه راهکارهایی برای ایجاد شرایطی جهت بهتر زیستن کودکان بندهای زیر را بعنوان حداقل خواسته های خویش اعلام نمائیم:

با توجه به سرمای شدید و قطع گاز و نبود امکانات گرمایشی در مناطق مختلف کشور، ما خواستار برطرف نمودن هر چه سریعتر این مشکل و ارائه بالاترین خدمات رفاهی مخصوصاً در مدارس از طرف دولت هستیم.

ما خواستار تأمین غذای گرم و مکفی برای همه کودکان در مدارس بخصوص مدارس ابتدائی و مهدهای کودک توسط دولت هستیم. ما خواستار دسترسی یکسان

امروز فستیوال برف و بازی را در حالی برگزار می کنیم که وجدانهای عمومی جهانی بیش از پیش به ضرورت حمایت همه جانبه از حقوق کودکان و لزوم ایجاد یک زندگی شاد و مرفه برای کودکان پی برده و حرکتهای جهانی در این راستا نیز آهنگ سریعتری به خود گرفته اند. ما برای دنیایی دیگر تلاش می کنیم دنیای عاری از فقر و نابرابری، دنیای احترام به حقوق انسانی کودکان، دنیای که در آن کودکان مجبور به کار نباشند، دنیای شادی و رفاه و امنیت و آزادی برای کودکان و برای همه انسانها و این حکم بشریت آزادیخواه و انساندوست و سازش ناپذیر است که در صدد پایان دادن به این فجایع و تغییر این دنیای وارونه برآمده و در همه عرصه ها، علیه مصائب رو به ازدیاد، علیه استثمار بردگی، تبعیض، جنگ، سلطه بی حقوقی و... پا به میدان گذاشته و با وجود ضربه هایی که

فستیوال "تحمیل فقر، خشونت و جنگ . . .

اعتصاب کارگران مرزی پیرانشهر



مبلغ ۲۰۰۰ تومان الی ۳۰۰۰ برای کارگر باقی می ماند و روزانه ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ تومان در گرانی و تورم شدید امروز به هیچ وجه کفاف گذران زندگی هیچکدام از کارگرانی که توانایی پرداخت کرایه خانه شان را ندارند و همگی دارای زن و فرزند هستند را نمی کند قابل ذکر است که این کارگران تحت شدیدترین کنترل مأموران رژیم مستقر در مرز هستند تا با حمل بارهایی که حمل آنها از طرف دولت قاچاق اعلام شده است و شامل مشروبات الکلی و وسایل آرایشی و... میشود و حمل آنها دستمزد بیشتری را دارد مقابله شود و تمامی بارها از طرف مأموران تفتیش می شوند. نان هم در دسته بار قاچاق قرار دارد و در طول چند ماه اخیر ۴ نفر را که نان را به عراق برای فروش می بردند دستگیر کردند و بعد از بازداشت با سنگین بالغ بر ۷۰ کیلوگرم و طی مسافت طولانی و پیمودن کیلومترها راه از منطقه شیوه رش حاجی عمران تا مرز ایران و نزدیکیهای ترمچیان بارهای سنگین را در سرمای شدید و یخبندان حمل میکنند. فقط و فقط درازای ۳۰۰۰ تومان الی ۴۰۰۰ تومان که مبلغ ۱۰۰۰ تومان آن صرف کرایه ماشین و رفت و آمد آنها به مرز و داخل شهر شده و با احتساب اینکه اگر کارگر در مرز چیزی برای سیر کردن شکم خودش تا توانایی حمل بارهای سنگین را داشته باشد نکند

روز ۱۶/۱۱/۸۶ کارگران مرزی پیرانشهر از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعدازظهر که ساعات کاری می باشد برای افزایش دستمزد دست به تحصن و اعتراض زدند. کارگران مرزی مصمم هستند که تا دست یابی به خواستشان مبنی بر افزایش دستمزد، به اعتصاب خود ادامه دهند. این کارگران که با استفاده از کارت کارگری تردد مرزی که دریافت آن مستلزم طی مراحل زیادی است و کارگر مرزی برای گرفتن آن با ارائه مدارکی مانند پایان خدمت و کارت بسیجی و همچنین شرط متأهل بودن و پس از آن معرفی به اطلاعات و در صورت نداشتن کوچکترین "خلافی" از نظر آنها و خلاصه بعد از طی هفت خوان رستم که اگر موفق به اخذ کارت شوند که با استفاده از آن بتوانند در مرز به کول بری و حمل بارهای سنگین بالغ بر ۷۰ کیلوگرم و طی مسافت طولانی و پیمودن کیلومترها راه از منطقه شیوه رش حاجی عمران تا مرز ایران و نزدیکیهای ترمچیان بارهای سنگین را در سرمای شدید و یخبندان حمل میکنند. فقط و فقط درازای ۳۰۰۰ تومان الی ۴۰۰۰ تومان که مبلغ ۱۰۰۰ تومان آن صرف کرایه ماشین و رفت و آمد آنها به مرز و داخل شهر شده و با احتساب اینکه اگر کارگر در مرز چیزی برای سیر کردن شکم خودش تا توانایی حمل بارهای سنگین را داشته باشد نکند

و نوجوانان کوله بر شهرهای مرزی. ۱۱- تامین امنیت، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهنده، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهنده افغانی و عراقی از تحصیلات و امنیت و زندگی اجتماعی می شود.

۱۲- تشکیل دادگاه عادلانه و صالح برای عاملین هرگونه خشونت و کودک آزاری در جامعه با حضور هیئت منصفه از طرف مردم.

۱۳- از مبارزات حق طلبانه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دفاع از حقوق شهروندان در سراسر کشور حمایت می کنیم. و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان هستیم.

۱۴- تحریم ابتدایی ترین امکانات زیستی شهروندان و کودکان بی دفاع در نوار غزه در فلسطین را به شدت محکوم می کنیم و خواستار پایان دادن به این کشتار عیان دولت اسرائیل و محاکمه فوری عاملین این جنایت در دادگاههای بین المللی هستیم.

بر توان باد
جنبش دفاع از حقوق کودک
کانون دفاع از حقوق کودکان
شرکت کننده گان در فستیوال
آدم بر فی ها
"تحمیل فقر، خشونت و جنگ
بر کودکان دیگر نه"
شهرستان مریوان
۱۴ بهمن ۱۳۸۶

آنان بدون هیچ گونه عذر و بهانه ای و رعایت و عملی کردن کلیه مفاد پیمان جهانی حقوق کودک در حق آنان. ۲- آموزش و پرورش مدرن انسانی و رایگان برای همه ی کودکان. ۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.

۴- ممنوعیت بهره کشی از کودکان. ۵- ممنوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۶- تامین امنیت، آسایش و رفاه، برخورداری از یک زندگی شاد و انسانی برای همه ی کودکان.

۷- ممنوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و سختی بر کودکان است.

۸- ممنوعیت اعدام در جامعه و ممنوعیت حکم حبس و شلاق برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۹- رفع هرگونه تبعیض و به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و دیگر حقوق مدنی و اجتماعی.

۱۰- ممنوعیت بهره کشی از کودکان و نوجوانان کوله بر در شهرهای مرزی و تامین امنیت و زندگی برای آنها و محاکمه عاملان خشونت بر کودکان

نمی توان چشم به روی همه ی این مشقاتی که بر کودکان تحمیل شده بست و سکوت اختیار کرد تا سود و منافع یک اقلیت در جامعه بر زندگی این کودکان در اولویت قرار گیرد می خواهیم فریاد کنیم انسانیت هنوز نمرده است هنوز هم فریادی هست که به جامعه می گوید هر آنچه که از امکانات و منابع و ثروت جامعه وجود دارد باید برای رفاه انسانها و برابریشان در اختیار قرار گیرد و می شود در کوتاهترین زمان این کارا کرد می شود زندگی عادلانه و انسانی را برای کودکانمان فراهم کنیم زندگی بدور از خشونت و رنج و مشقت را می شود ساخت. زندگی که در آن رعایت حقوق کودکان، تضمین رفاه کودک، شاد زیستنش بر هر چیزی اولویت دارد. ما امروز اینجا جمع شده ایم که ندای انسانیت را بر آوریم که کودک آزاری و خشونت، گرسنگی کودکان، استثمار کودکان تحمیل جنگ و شکنجه و کشتار کودکان، رنج و مشقت بر کودکان را مایه ننگ بشریت متمدن می داند آمده ایم که با لبخند کودکان با بر افراشتن پرچم تحمیل فقر خشونت و جنگ بر کودکان دیگر نه ار گیرد باشد جنبش دفاع از حقوق کودکان را در جامعه جاری سازیم. همه با هم برای دفاع از حقوق و حیثیت کودکان در جامعه می کوشیم و خواهان تامین مطالبات ذالبات زیر می یل هستیم:

۱- رسیدگی فوری دولت به زندگی کودکان بی پناه، کودکان کار و خیابان، تامین مسکن و امکانات رفاهی و زیستی برای

به بر گزار کننده گان و تمامی فعالین و دست اندر کاران فستیوال کودکان در مریوان و کامیاران صمیمانه تبریک می گوئیم . ایسکرا

زندگی شاد، امن و خلاق

حق مسلم کودکان است!

سویالیسم پیاخیز!

برای رفع تبعیض

اخباری از سایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

اعلام حمایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و انجمن صنعتی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه از اعتصاب کارگران کیان تابر

کارگران کیان تابر در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه از دستمزدهای خود، مدت نه روز است که دست به اعتصاب زده اند. عدم پرداخت بوضع دستمزد کارگران سالهاست به روالی برای پرداخت دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان تبدیل شده است، سالهاست که کارگران در اعتراض به عدم پرداخت بوضع دستمزدهای زیر خط فقر خود اینجا و آنجا اعتصاب می کنند... تجمع میکنند و به انجا مختلف اعتراض خود را اعلام می نمایند، اما هیچ گوش شنوایی وجود ندارد و روز بروز بر ابعاد این مسئله که یک دزدی آشکار از دستمزدهای زیر خط فقر کارگران محسوب می شود، افزوده میگردد. کارگران برای پایان دادن به مسئله عدم پرداخت بوضع دستمزدها و جلوگیری از گسترش هر روزه آن، باید متحد شد، باید اعتراض قدرتمند و بهم پیوسته ای را در یک بعد سراسری برای پایان بخشیدن به این وضعیت سازمان داد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و انجمن صنعتی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ضمن حمایت قاطعانه از اعتصاب کارگران کیان تابر از عموم کارگران در کارخانه ها و مراکز تولیدی و صنعتی می خواهد تا با حمایت از اعتصاب این کارگران و همدوش با آنان متضمن پیروزی اعتصاب کارگران کیان تابر باشیم.

زنده باد همبستگی کارگران اتحادیه سراسری
کارگران اخراجی و بیکار انجمن صنعتی
کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۸/۱۱/۸۶
www.eftahade.net
k.ekhrarji@gmail.com

کارفرمای سما علیرغم شروع بکار کارخانه، از پذیرش اکثریت کارگران سر کارهایشان خودداری میکند

بدنبال تعطیلی مجتمع صنعتی سما و عدم پرداخت دستمزد های کارگران و سپس اعتراضات کارگران این کارخانه در طی ماههای گذشته، کارخانه سما مدتی است که با تامین مواد اولیه شروع بکار کرده و حدود سی نفر از کارگران این مجتمع بر سرکارهایشان باز گشته اند.

از سوی دیگر بر اساس خبری که کارگران این کارخانه به اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار اعلام کرده اند طی روزهای گذشته حدود ۲۰ الی ۲۵ نفر از کارگران زن این کارخانه نیز به کار دعوت شده و علاوه بر آن سی نفر قبلی، مشغول بکار شده اند. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه، کارفرما در پی آن است تا ۳۰ نفر دیگر نیز نیروی کار تازه از میان زنان شهر قروه در کارخانه استخدام کند. این در حالی است که کارفرمای کارخانه به بقیه کارگران که تعداد آنان به حدود ۱۱۰ نفر می رسد اعلام کرده است که به آنان نیازی ندارد.

لازم به یادآوری است از میان این ۱۱۰ کارگر بلامتکلیف کارخانه سما، تعدادی از آنان کسانی هستند که سابقه کاری چندانی در این کارخانه ندارند و به لحاظ قوانین موجود عملاً دست شان از همه جا برای بازگشت بکار کوتاه است و حتی بیمه بیکاری نیز شامل حال آنان نمیشود. تعدادی از این ۱۱۰ نفر نیز شکایتی بابت اخراج خود به اداره کار نکرده اند و بهمین دلیل اداره کار در حال وصل آنان به بیمه بیکاری می باشد.

اما از سوی دیگر ۳۰ نفر از این کارگران بر بازگشت بکار خود اصرار دارند و شکایت آنان در حال حاضر در هیئت تشخیص اداره کار قروه در حال رسیدگی است و احتمالاً تعیین تکلیف آنها در اداره کار ماهها طول بکشد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن دعوت از کارگران بلامتکلیف کارخانه سما برای برخورد متحدهانه با اقدامات ضد کارگری کارفرما، از آنان می خواهد تا در اداره کار شکایت خود را بصورت متحدهانه ای طرح و پیگیری کنند تا کارفرما و اداره کار قادر نشوند آنطور که خود می خواهند و به نفع شان است رای صادر کنند.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
۹/۱۱/۱۳
www.eftahade.net
k.ekhrarji@gmail.com

جمهوری اسلامی ایران، قصد سنگسار دو زن جوان را دارد! بر علیه این جنایات وحشیانه به اعتراضی بین المللی باید دست زد.

اعتراضات بین المللی به این حکم، جمهوری اسلامی ایران در صدد تهیه مقدمات اجرای حکم است.

در ایران دهها نفر دیگر در زندانهای مختلف، به سنگسار محکوم شده و در انتظار اجرای حکم سنگسار هستند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار، ضمن محکومیت شدید این رفتار وحشیانه و قرون وسطایی جمهوری جنایت اسلامی، از همگان دعوت میکند که به این احکام اعتراض کنند.

باید به يك اعتراض گسترده و جهانی وبه مبارزه متحدهانه بر علیه سنگسار و بر علیه جمهوری اسلامی ایران دامن زد، و باید کاری کرد که نه فقط جان محکومین به سنگسار نجات یابد، بلکه سران حکومت اسلامی بجرم جنایت علیه بشریت دادگاهی و محاکمه شوند.

کمک کنید جان زهره و آذر کبری و
عبدالله فریور مقدم را نجات دهیم!

کمیته بین المللی علیه سنگسار

۲ فوریه ۲۰۰۸
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

سنگسار در ایران، همواره یکی از ابزارهای حکومت در تعرض به زنان و مردم بوده است. این بار در کرج، خبر محکومیت به سنگسار زهره و آذر کبری دو خواهر ۲۷ و ۲۸ ساله در رسانه ها منتشر شده است. یکسال قبل حکومت اسلامی ایران این دو را دستگیر و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم میکند. این دو زن در زندان باقی مانده و شش ماه بعد پرونده مجدداً مورد بازرسی قرار گرفته و این بار هر دو به سنگسار محکوم میشوند. زهره کبری و آذر کبری هر دو در زندان رجایی شهر کرج هستند و در انتظار اجرای این حکم وحشیانه نشسته اند. وکیل این دوزن، هنگامی که دادگاه عالی حکومت اسلامی نیز حکم را تایید و برای اجرای احکام فرستاده، وکالت این پرونده را به عهده گرفته و با بررسی های اولیه، مجموعه ای از تناقضات را در این مورد مطرح کرده است.

هفته گذشته خبر احتمال اجرای حکم سنگسار عبدالله فریور مقدم نیز در رسانه ها مطرح شد. عبدالله فریور مقدم متاهل و دو فرزند دارد که بجرم رابطه با يك زن جوان به سنگسار محکوم شده است. علیرغم

زنی بدست برادرش بقتل رسید

سقز: يك سال قبل دختری به نام شنو فرج پناه اهل یکی از روستا های سقز به نام دره قبله بدون اجازه خانواده اش با پسر مورد علاقه اش ازدواج کرد و برای کار به تهران رفته بودند. به وسیله ترافند های پدرش به سقز آمده بود در بین جاده تهران - زنجان در جای خلوتی توسط برادرش به قتل رسید و برادرش خود را به نیروی انتظامی تحویل داد.

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.iskraa.net

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!